

مهنام نجفی

جایگاه

دوست علی خان

معیر الممالک

در معماری دوره قاجاریه

دوست علی خان معیر الممالک بسطامی^۱ از شخصیت‌های مهم دربار ناصری و صاحب مناصب متعددی چون خزانه‌داری و مسئولیت امور معماری دربار بود. او در طی حیاتش، به واسطه ثروت فراوان، مأموریت رسمی از دربار، و بی‌شک علاقه شخصی، به ساخت و سازهای فراوانی دست زد که از نظر کیفی و کمی شایان توجه است و جایگاه برجسته او در تاریخ معماری دوره قاجاریه را برجسته می‌کند. انبوه بناهای عام‌المنفعه، تعداد بسیاری باغ و خانه شخصی، و بناهای پرآوازه حکومتی چون شمس‌العماره و تکیه دولت از جمله این آثار است. در این میان، نقش دوست علی خان تنها به بانی^۲ محدود نمی‌شود؛ او در بسیاری از موارد در مقام یکی از عوامل اصلی ساخت و ساز عمل کرده و مدیریت امور معماری را بر عهده داشته است.

برای بررسی نقش دوست علی خان معیر الممالک در معماری آن روزگار، با توجه به کمبود شواهد مستقیم تاریخی، نخست باید به متون تاریخی پرداخت و هر آنچه را که به گونه‌ای گویای زندگی دوست علی خان، ویژگیهای شخصیت او، تواناییها و سلیقش، و در نهایت تمایلات و تفکرات او باشد استخراج کرد. این اطلاعات در کنار یکدیگر مفهومی اگرچه مبهم ولی پیوسته می‌سازند و به شناختی نسبی می‌انجامند که ما را در روشن‌تر کردن اثر دوست علی خان معیر الممالک در عرصه معماری قاجار یاری می‌کند.

کار معماری دوست علی خان دو حوزه دارد: یکی تصدی رسمی امور معماری دربار ناصری؛ دیگری ساخت و سازهای شخصی. بر این مبنا، می‌توان اطلاعات تاریخی مربوط به فعالیت‌های معماری او را دسته‌بندی کرد. در این نوشتار، پس از معرفی کلی دوست علی خان، به تبیین هریک از این حوزه‌ها و سپس پی‌گیری چرایی و چگونگی حضور معیر الممالک در آنها می‌پردازیم؛ عوامل گرایش معیر الممالک به امور معماری و حضور فعالانه او در این زمینه را جستجو و حدود و کیفیت تأثیر او را در عرصه معماری قاجاری واکاوی می‌کنیم.

۱. معیر الممالک بسطامی (نظام‌الدوله)

«معیر الممالک» لقبی حکومتی و به معنای «صاحب‌منصب خزانه‌داری کل کشور» است که از دوران افشاریان باب

دوست علی خان معیر الممالک نظام‌الدوله از بانیان مهم دوره قاجاریه است. او در زمان ناصرالدین‌شاه قاجار هم خزانه‌دار بود و هم متصدی امور معماری دربار ناصری. در منصب اخیر واسطه میان شاه و معمار بود و مدیریت امور معماری و مسئولیت حسن آنها را بر عهده داشت. احداث بناهای مهم حکومتی شمس‌العماره و تکیه دولت از بارزترین اقدامات او در این زمینه است. دوست علی خان گذشته از بناهای حکومتی، شخصاً نیز بناهای بسیاری در تهران ساخت؛ از جمله بناهای عام‌المنفعه‌ای چون مسجد، حمام، مدرسه، آب‌انبار، و بازارچه. از بناهای مهم او عمارت باغ فردوس در شمیران است. ثروت بی‌حد و قدرت و نزدیکی به شاه همراه با ذوق و هنردوستی از مهم‌ترین عواملی است که موجب شد او نقشی چنان مؤثر در معماری آن دوره ایفا کند. یکی دیگر از عوامل توفیق او این بود که در تأثر از هنر اروپا، در عین تداوم سنتها، با شاه هم‌نوا بود. معیر الممالک علاوه بر معماری، به گردآوری اشیای زینتی نیز علاقه داشت. اگرچه در متون از ذوق هنری او یاد نشده است؛ این‌گونه فعالیتها و علاقه او به معماری و کیفیت بناهایی که ساخته است آشکارا بر ذوق او دلالت می‌کند.



خدمت و ظهور صداقت و وفور لیاقت، به مقام وزارت مالیه ممالک محروسه ایران و به لقب نظام الدوله مفتخر شد.^۶ دوست علی خان نظام الدوله در سال ۱۲۹۰ ق، در سن ۵۴ سالگی، «به مرض مُحرّقه»^۷ وفات یافت.^۸

۲. زمینه‌های اشتغال معیرالممالک به امور معماری

۲-۱. تصدی امور معماری دربار ناصری

چنان‌که گفته شد، «ریاست بیوتات» از مشاغل اصلی معیرالممالک در دربار ناصری بود که گویی، همچون سمت خزانه‌داری و لقب معیرالممالکی، آن را از پدر به ارث برده بود. متون بر اشتغال حسین علی خان معیرالممالک (پدر دوست علی خان) به امور معماری دربار گواهی می‌دهند؛ مثلاً اعتماد السلطنه، در بیان وقایع سال ۱۲۶۳ ق، از احداث باغ فردوس به دست حسین علی خان و به دستور محمدشاه قاجار یاد کرده است:

چون فصل گرما و موسم بیلاق نزدیک و نیاوران شمیران، که مقر بیلاقی شهریاری بود، آب‌وهوای خوشی نداشت به امر اعلی حضرت محمدشاه در حوالی اسدآباد و باغ فردوس، [حسین علی خان] معیرالممالک مکانی معین نموده عمارتی سلطنتی، مشتمل بر بیوتات و عمارات بیرونی و اندرونی و حمامها و مساجد و مسالک و قلعه‌ای که سیصد ذرع طول و یکصد ذرع عرض و دو دروازه و برج و خندق داشت، بنا کردند و چندین هزار تومان به مصارف بنای آن رسید.^۹

از سوی دیگر، اعتماد السلطنه در *مرآت البلدان* کار «بعضی بتّایی فرمایشی مخصوص» را در کنار مشاغلی چون «نظم خزانه، جمع‌آوری وجوه مخصوص خزانه اندرون، وصول مالیات و اقساط، رساندن وجوه برات‌داران از زنبورک‌خانه، حکومت گیلان و یزد» از جمله وظایف حکومتی دوست علی خان بر شمرده است.^{۱۰} بنا بر این، اگرچه عبارت «بتّایی فرمایشی مخصوص» عبارتی مبهم است، تلویحاً بر امور معماری دربار دلالت می‌کند. به علاوه، میرزا مهدی خان شقاقی ممتحن الدوله نیز امور بتّایی «بتّاییها» را، در کنار وظایفی چون «خریده‌های همایونی، [...] قناتها، فخارخانه‌ها»^{۱۱} و بسیاری از مناصب دیگر، از اشتغالات درباری نظام الدوله بر شمرده است. همه این شواهد بر این دلالت می‌کند که مسئولیت امور معماری دربار ناصری از وظایف رسمی و حکومتی معیرالممالک

شد. این لقب همراه با منصب خزانه‌داری کل کشور از پدر به پسر به ارث می‌رسید و عنوان دائمی خاندان صاحب آن می‌شد. از جمله این خاندانها خاندان معیرالممالک بسطامی است. افراد این خاندان، که از نسل بایزید بسطامی‌اند، از اواسط دوره صفویه به دیوان حکومت وارد شدند و منصب خزانه‌داری را برعهده گرفتند، و به تبع آن به «معیرباشی» و سپس «معیربیک» ملقب شدند. حسین علی بیک بسطامی — جد بزرگ این خاندان — در دوره نادرشاه افشار به وزارت رسید و شأن درباری این خاندان را قوت بخشید و منصب خزانه‌داری تا اواخر دوره قاجاریه در نسلش برقرار ماند.^{۱۲} پدر دوست علی خان، حسین علی خان معیرالممالک، نیز به سنت موروثی دیرینه، خزانه‌دار دربار قاجاریه و از اشخاص بانفوذ حکومت وقت و داماد فتح علی شاه بود.^{۱۳}

دوست علی خان معیرالممالک در سال ۱۲۳۶ ق متولد شد. او که در اواخر حکومت محمدشاه حاکم یزد بود، در اولین سال حکومت ناصرالدین شاه، ۱۲۶۴ ق، از این منصب عزل شد و پس از مرگ پدر، در سال ۱۲۷۴ ق، سمت خزانه‌داری و منصب معیرالممالکی و ریاست بیوتات را بر عهده گرفت.^{۱۴} در سال ۱۲۸۸ ق، «نظر به حسن

بوده است. انتساب مکرر مهم‌ترین و پرآوازه‌ترین بناهای حکومتی دوره قاجاریه، یعنی شمس‌العماره و تکیه دولت، به معیرالممالک نیز مؤید آشکار این جایگاه اوست.

البته نقش واقعی دوست‌علی‌خان در بناهای حکومتی منسوب به او موضوعی مبهم است: برخی از شواهد او را تا حد طراح اصلی بنا بالا می‌برد؛ و شواهدی دیگر او را تا حد واسطه صرف در میان کارفرما و معمار فرومی‌آورد. یحیی ذکا می‌گوید: «طرح و نقشه شمس‌العماره گویا از خود معیرالممالک و معماری آن با استاد علی‌محمد کاشی بوده است»^{۱۲}؛ اما در هیچ‌یک از متون درجه اول، با وجود توجه فراوان به بنای مهم شمس‌العماره و چگونگی احداث آن، از این جایگاه معیرالممالک به روشنی یاد نشده است. از این رو، این نظر چندان استوار نمی‌نماید.

اعتمادالسلطنه، در بیان وقایع سال ۱۲۸۴ق، بنای «عمارت مبارکه شمس‌العماره» را حاصل «مواظبت و اهتمام» دوست‌علی‌خان معیرالممالک دانسته است.^{۱۳} تعبیر «مواظبت و اهتمام» تا حدودی گویای نقش معیرالممالک در شکل‌گیری این بناست — گویی معیرالممالک مدیر و ناظر امور و مسئول حسن آن بوده است. سخن دوست‌علی سوم، نوه نظام‌الدوله، درباره ساخت شمس‌العماره و تکیه دولت نیز می‌تواند در درک بهتر این مفهوم مفید باشد. او در این باره می‌نویسد:

[پس از فرمان شاه،] معیرالممالک بی‌درنگ دست به کار زده بی‌ریزی شمس‌العماره و تکیه دولت را توسط معماران زبردست آن زمان آغاز کرد.^{۱۴}

پس معیرالممالک نه هزینه‌های این بناها را برعهده داشته و نه طراح و سازنده آنها بوده است؛ بلکه او عامل شاه در مدیریت طرح و اجرای بنا و حلقه اتصال کارفرما و معمار بوده است.^{۱۵} می‌دانیم که ناصرالدین‌شاه در شکل‌گیری هنر و معماری عصر خود نقشی مهم داشته است و نمی‌توان جایگاه او را در احداث شمس‌العماره و تکیه دولت نادیده گرفت و چنین انگاشت که او همه امور را یکسره به دیگری واگذاشته بوده است.^{۱۶} در کتاب یادداشت‌هایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین‌شاه، نمونه‌ای از اظهار نظر مستقیم او درباره چگونگی شمس‌العماره و تکیه دولت آمده است:

روزی ناصرالدین‌شاه دوست‌علی‌خان نظام‌الدوله

معیرالممالک را گفت کاخی بلند می‌خواهم که از بالای آن دورنمای شهر و مناظر اطراف نمایان باشد؛ و نظر به تنگی فضای تکیه حاج میرزا آقاسی، تکیه وسیع دیگری نیز لازم است ساخته شود.^{۱۷}

همچنین نباید نقش مهم معماران این بناها را تنها به سبب گم‌نامی‌شان از یاد برد. پیداست که بناهایی مانند شمس‌العماره و تکیه دولت صرفاً نتیجه اراده یا سلیقه یا قدرت و مال امثال معیرالممالک و شاه نیست؛ بلکه علاوه بر اینها، نتیجه توان هنری و ذوقی و فنی و اراده طراحانه معماران آنها نیز هست.

نکته شایان توجه در مورد دو بنای شمس‌العماره و تکیه دولت جایگاه بی‌همتای این دو در تاریخ معماری دوره قاجاریه است. مورخان معماری بارها این دو عمارت را مهم‌ترین بناهای معماری دوره ناصری خوانده و آنها را فاخرترین بناها و نشان خلاقیت و نوآوری معمارانه در آن دوره شمرده‌اند. مسلماً احداث این هر دو بنا به توسط شخصی واحد — دوست‌علی‌خان معیرالممالک — امری تصادفی و فارغ از تمایلات و تواناییهای شخص او نیست. پس حتی اگر دوست‌علی‌خان طراح و نقشه‌پرداز این بناها هم نباشد، درک هنری او و تلاش او در فراهم آوردن شرایط بروز چنین خلاقیتی را نمی‌توان نادیده گرفت. به علاوه، در هر دو بنا توجه به فرهنگ اروپایی و معماری آن سرزمین آشکار است. طرح شمس‌العماره از معماری اروپایی متأثر است؛ و تکیه دولت — بزرگ‌ترین نمایش‌خانه جهان در آن زمان — نوعی پاسخ به تالارهای معظم ایرا در اروپاست. در این توجه به فرهنگ و معماری مغرب‌زمین، ناصرالدین‌شاه ناگزیر تنها نبوده و بی‌تردید معیرالممالک در این میان و در تحقق خواسته‌های شاه نقشی مؤثر داشته است.

۲-۲. ساخت‌وسازهای شخصی

بسیاری از بناهای تهران دوره ناصری به دوست‌علی‌خان منسوب است و او از بنیان‌بنام معماری قاجاری محسوب می‌شود. دوست‌علی‌خان معیرالممالک، علاوه بر تصدی رسمی امور معماری دربار، مستقلاً نیز به ساخت‌وساز می‌پرداخت. بسیاری از این بناها عام‌المنفعه و در معرض دید و استفاده مردم و جزو فضاهای شهری آن دوره بود. تعدد بناهای عمومی با کارکردهای گوناگون شاهدهی

گویا بر علاقه دوست‌علی‌خان معیر‌الممالک به معماری است و او را شایسته عنوان «بانی معماری قاجاری» می‌کند. شبستان مسجدجامع عتیق،^{۱۸} بازارچه معیر،^{۱۹} مسجد معیر، جلوخان معیر، آب‌انبار معیر، کوچه‌باغ معیر،^{۲۰} مدرسه معیر،^{۲۱} و حمام معیر^{۲۲} از جمله آثار او در در متون متعدد قاجاری یاد شده است.

علاوه بر این بناهای عام‌المنفعه، عمارات و باغهای چندی نیز به معیر‌الممالک منسوب است،^{۲۳} که یکی از مهم‌ترین و معروف‌ترین آنها باغ فردوس است. در مکان باغ فردوس در زمان محمدشاه قصری به نام محمدیه بود که شاه بدان بسیار علاقه داشت. این مکان پس از مرگ محمدشاه متروک شد. معیر‌الممالک در زمان اقتدارش این باغ را خرید و با آب‌رسانی بدان و گسترش آن، به آبادانی‌اش پرداخت و آن را «باغ فردوس» نامید.^{۲۴} روایت ایرج افشار درباره چگونگی احداث عمارت معیر‌الممالک در باغ فردوس، از قول قوش‌باشی باغبان معمر بازمانده از عصر ناصری، بر طبع نوخواه معیر‌الممالک دلالت می‌کند:

معیر‌الممالک برای اینکه موقع نشستن در ایوان طبقه سوم به تهران بنگرد، به خیال افتاد که سر تپه «امانیه»، واقع در اراضی الهیه، را بردارد و به همین منظور دستور داد که به خاک‌برداری بپردازند؛ ولی پس از آنکه مقداری از سر آن را برداشتند، چون خرج کار زیاد بود، از ادامه خاک‌برداری منصرف شد.^{۲۵}

نکته مهم دیگری که از این روایت برداشت می‌شود توجه به دید و منظر بنا و امکان رؤیت پهنه شهر تهران است — همانچه در آن زمان آن را مهم‌ترین ویژگی شمس‌العماره می‌دانستند و شاید بتوان آن را گواهی بر تجلی تمایلات معمارانه دوست‌علی‌خان معیر‌الممالک در بناهای منسوب به او شمرد.

۳. عوامل زمینه‌ساز علاقه معیر‌الممالک به معماری ۱-۳. ثروت

دوست‌علی‌خان از رجال متنفذ، صاحب مناصب گوناگون، و بسیار متمول بود. اگرچه این وضع در خصوص رجال دربار معمول بود؛ روایتهای متعدد تاریخی از میزان داراییهای او و تأکید ویژه و همیشگی در متون بر اموال بیش از حدش، بر ثروت نامعمول و بی‌نظیر او دلالت می‌کند. اگرچه بعید نیست که غرض‌ورزی رقبای سیاسی

موجب اغراق در ثروت او شده باشد؛ اینکه تمول را پیوسته مهم‌ترین ویژگی دوست‌علی‌خان شمرده‌اند بی‌شک نشانی از واقعیت در خود دارد.

میرزاهدی‌خان شقاقی^{۲۶} دوست‌علی‌خان معیر‌الممالک و همسرش را از شخصیت‌های بانفوذ حکومت ناصری و صاحب غالب مناصب «بی‌مسئولیت و پرمنفعت»^{۲۷} دربار معرفی می‌کند؛ مناصبی که سرمایه‌ای کلان را از دربار ناصری به خزانه شخصی معیر‌الممالک سرازیر می‌کرد و وضعی مساعد برای سوءاستفاده‌های فراوان مالی منسوب به او فراهم می‌آورد.^{۲۸} بنا بر این، ثروت بی‌حدوحصر معیر‌الممالک او را به مردی توانا بدل کرده و پرداختن او به بیشتر امور دلخواهش را ممکن کرده بود. مکتب دوست‌علی‌خان از شروط لازم برای تحقق هنر پرهزینه معماری و از مهم‌ترین عوامل کام‌یابی او در تحقق خواسته‌های بلندپروازانه‌اش بود.

۲-۳. هنردوستی

اگرچه هیچ شاهد تاریخی صریح مکتوبی آن‌چنان که بر ثروت افسانه‌ای معیر‌الممالک صحنه می‌گذارد، بر ذوق و هنردوستی او گواهی نمی‌کند؛^{۲۹} نشانه‌های فراوانی بر تمایل معیر‌الممالک به هنر و زیباییهای رایج زمان خود دلالت می‌کند.

الف) گردآوری اشیای زینتی

گردآوری تفننی اشیای زینتی در دوره ناصری پدیده‌ای نوظهور بود. این کار را ناصرالدین‌شاه، متأثر از اروپاییان، در قالب ایجاد «اتاق موزه» در کاخ گلستان آغاز کرد.^{۳۰} این کار او الگوی درباریان و اعیان شد، و مانند موارد بسیار دیگری از این دست، به سرعت به میان هنردوستان طبقات مرفه و درباری نفوذ کرد و به کاری مطلوب بدل شد. میرزاهدی‌خان شقاقی می‌نویسد:

از حیث تجمل، قریب سیصد اتاق در خانه‌های ایشان مملو از قالی و قالیچه بود که روی هم فرش گشته؛ در بعضی اتاقها دو یا سه فرش روی هم مفروش گشته بود. انبارهای چینی‌خانه از چینهای قدیم و جدید، اتاقهای بلورخانه متعدد و در تمام این اتاقها چندین ساعت قیمتی و اسباب چراغ و غیره و هم انبارهایی از آهن‌آلات فرنگی، از قبیل بخاریهای سنگ و مرمر و چدن و برنج و مطلا و برنز، و در تمام اتاقها چهل چراغها

و جارهای بلور و آینه‌های بدن‌نما، و در بعضی اتاقها و انبارها، صندوقهای امتعه اروپایی تا به سقف در روی هم چیده شده بود. [...] و اما جواهرات، یک فقره که خود حاضر و به رأی‌العین دیدم این بود که با کمپانی رمن، تاجر سوئیسی که خریدهای فرنگ به توسط او انجام می‌شد، مذاکره و چندین هزار تومان معامله نقد نمود.^{۳۱}

میرزا مهدی‌خان، چنان‌که خود می‌گوید، هیچ‌گاه علت گردآوری آن همه «بلورآلات و فرش و اثاث‌البیت و چینی و مسینه‌آلات» را درنیافت؛^{۳۲} چرا که آن‌گونه که از توصیف او برمی‌آید، غالب این اشیا صرفاً زینتی، و مهم‌تر از آن، افزون بر نیاز خانه و خانواده بود و در اتاقهایی مخصوص و دور از چشم مردم گردآوری شده بود؛ و بنا بر این، از نظر راوی ماجرا بی‌فایده و بی‌معنی و حتی عجیب می‌نمود. ولی آنچه از تصور مجموعه بلورها و چینیها، ساعتها و بخاریهای قیمتی، چهل چراغها و آینه‌ها، و ... در ذهن ما تداعی می‌شود صحنه‌هایی همانند موزه است؛ موزه‌ای خصوصی شبیه موزه‌ای که ناصرالدین‌شاه فراهم کرده بود.^{۳۳} ولی آنچه در اینجا باید بدان توجه کرد تفاوت شأن معیرالممالک و ناصرالدین‌شاه و به تبع آن محدودیت معیرالممالک در نمایش داراییهایش است. علایق هنری ناصرالدین‌شاه در قالب مجموعه‌ای نفیس به نمایش اعیان درمی‌آمد و اسباب تفاخر و شکوه حکومت بود؛ اما مجموعه آثار مورد علاقه دوست‌علی‌خان در اتاقهایی روی هم انبار و حتی از دیده‌ها پنهان می‌شد. آگاهی میرزا مهدی‌خان از وجود این انبارها و بازدید از آنها نیز، به واسطه نزدیکی و معاشرت با پسر دوست‌علی‌خان، دوست‌محمدخان معیرالممالک، بود.^{۳۴}

ب) نوع مشاغل درباری
واگذاری مسئولیتهایی از قبیل «خریدهای همایونی» و «بتاییها»ی دربار به دوست‌علی‌خان معیرالممالک از ذوق و سلیقه‌ای شایسته طبع همایونی در وجود او حکایت می‌کند.^{۳۵} در دوره ناصری، بیشتر امور درباری را که به‌نوعی با ذوق و سلیقه سروکار داشت به معیرالممالک می‌سپردند. این نوع مشاغل درباری معیرالممالک شاهی گویا بر صلاحیت هنری اوست.

ج) سابقه خانوادگی
گویی علاقه به گردآوری اشیای زینتی و کلاً دل‌بستگی به امور هنری مانند منصب خزانه‌داری و ویژگی موروثی

خاندان معیر بود؛ آن‌چنان‌که به شهادت متون، پسر و نوه نظام‌الدوله — دوست‌محمدخان و دوست‌علی‌خان سوم — هنردوست و هنرپرور و حتی صاحب‌ذوق و هنرمند بودند. دوست‌محمدخان معیرالممالک، فرزند دوست‌علی‌خان، به سیاست و حکومت علاقه‌ای نشان نداد و تا پایان عمر مناصب درباری را نپذیرفت. او علاقه شدیدی به شکار، پرورش طیور و گلها و میوه‌های کمیاب، عکاسی، نجاری، خطاطی، نقاشی سیاه‌قلم، مطالعه، و گردآوری نسخ کمیاب و کتب نفیس و آثار هنری داشت و اوقات خود را صرف این امور می‌کرد. میرزا مهدی‌خان شقاقی در خاطراتش از اشتغالات معماری دوست‌محمدخان، پسر دوست‌علی‌خان، و «مشاوره و مذاکره» با او در «امر بتایی طرح ساختمان جدید» یاد می‌کند،^{۳۶} که خود شاهی دیگر بر سابقه خانوادگی خاندان معیرالممالک در این‌گونه امور است.

پس دوست‌محمدخان، فرزند دوست‌علی‌خان، نیز از هنردوستان دوره قاجاریه بوده است.^{۳۷} بسیاری از این ویژگیها، که احتمالاً میراث پدرش (دوست‌علی‌خان معیرالممالک) بود، در پسر دوست‌محمدخان، دوست‌علی‌خان سوم، نیز مؤثر افتاد. دوست‌علی‌سوم، به شهادت متون، به شوق ادامه تحصیل از سمت وزارت مخازن عسکری در دوره مظفرالدین‌شاه چشم‌پوشی کرد و به تحصیل در رشته‌های مختلف، به‌ویژه نقاشی، در اروپا پرداخت^{۳۸} و از هنرمندان معروف این دوره شد.

ذوق و سلیقه مشترک این خاندان را نیز می‌توان در شواهد تاریخی پی گرفت. در توصیف میرزا مهدی‌خان شقاقی از انبارهای اشیای زینتی دوست‌علی‌خان معیرالممالک، پیداست که بیشتر اشیای نام‌برده از کالاهای فرنگی است، که به‌وضوح از علاقه دوست‌علی‌خان به هنر اروپایی حکایت می‌کند.^{۳۹} — ذائقه‌ای که گویی در نسلهای بعدی این خانواده نیز ماند و حتی تقویت شد. توصیف یک اروپایی از وضع خانه نوه دوست‌علی‌خان معیرالممالک^{۴۰} در تهران، گویای این حقیقت است:

در ظاهر اتاق هیچ چیز شرقی به چشم نمی‌خورد. فرش فرانسوی سبک جدیدی، با طرحی از گل‌های سرخ بزرگ روی زمینه سفید، کف اتاق را پوشانده بود؛ عکسها و آینه‌هایی به دیوارها آویخته بود؛ سربخاری با گلدانهای ظریفی در زیر حبابهای شیشه‌ای تزئین شده

بود و روی طاقچه‌ها مجسمه‌هایی گچی قرار داشت. اگر وضع ظاهر بانوی قصر نبود، می‌توانستیم خود را در قصری فرانسوی تصور کنیم.^{۴۱}

شاید بتوان این اشیا را بخشی از ماترک افسانه‌ای دوست‌علی‌خان معیرالممالک و به عبارتی بقایای مجموعه بزرگ اشیای زینتی او دانست که همچنان برای آراستن خانه‌ای اعیانی به سبک اروپایی کفایت می‌کرد؛ چرا که بعد از نظام‌الدوله، اعضای خاندان معیرالممالک — شاید به واسطه گرایش به امور هنری — از غالب مشاغل پرسود درباری و حتی از شغل آبا و اجدادی‌شان، خزانه‌داری، کناره گرفتند و با اتکا به ثروت بی‌پایان دوست‌علی‌خان معیرالممالک، بی‌نگرانی معاش، همچنان پرتجمل^{۴۲} زیستند.

د) آثار معماری

البته آن‌چنان که گفته شد، ذوق هنری نظام‌الدوله، شاهد آشکاری در متون تاریخی ندارد؛ ولی آنچه می‌تواند بر طبع هنردوست و زیباپسند او صخه بگذارد و تفسیر ما را از قالب توصیفات همعصران او فراتر برد، علاوه بر نوع مشاغل درباری او و هنردوستی سلالة او در مقام وارثان سنتی ریشه‌دار، بناهای فراوانی است که به او نسبت داده‌اند. در این میان، علاوه بر بناهای عام‌المنفعه، دو نمونه از شاخص‌ترین بناهای معماری عصر ناصری، بنای سلطنتی شمس‌العماره و تکیه دولت به مثابه تجلی‌گاه خلاقیت معماری این دوره، به دوست‌علی‌خان معیرالممالک منسوب است. اگرچه نقش و میزان تأثیر دوست‌علی‌خان در شکل‌گیری این بناها به وضوح مشخص نیست؛ حضور قاطع او به منزله یکی از عوامل اصلی شکل‌گیری بنا مسلم است و بی‌شک زیبایی و شکوه این بناها فارغ از تواناییها و خواست معیرالممالک نبوده است.

طبع زیباپسند معیرالممالک را نه فقط در بناهای پرآوازه‌ای چون شمس‌العماره و تکیه دولت، که حتی در بناهای کوچک و گم‌نام او نیز می‌توان دریافت. امین‌الدوله، با همه دشمنی‌اش با معیرالممالک، در سفرنامه‌اش از حمام کوچک ساخت معیر «در نزدیک درب ورود» یاد کرده و آن را «در کمال تنقیح و قشنگی» خوانده است.^{۴۳}

مجموعه این شواهد حاکی از آن است که دوست‌علی‌خان معیرالممالک، با اتکا به ثروت بی‌حد و همچنین طبع زیباپسند و هنردوستش، حامی و بانی هنر

زمان خود بود و بخش بزرگی از ثروتش را برای تحقق خواستها و تمایلات هنری‌اش هزینه می‌کرد.

۴. نتیجه

دوست‌علی‌خان معیرالممالک، به واسطه ثروت فراوان، منصب درباری، سابقه خانوادگی، و مهم‌تر از همه طبع هنردوست، در سطوح و گونه‌های مختلف به معماری پرداخت و آثاری چشم‌گیر، از نظر کمی و کیفی، پدید آورد؛ و در نتیجه، از مهم‌ترین و مؤثرترین شخصیت‌های معماری دوران ناصری شد.

دوست‌علی‌خان معیرالممالک را، به واسطه تواناییهای ذاتی و پیشینه خانوادگی، به مدیریت امور معماری در دربار ناصری گماشتند. او که در نخواستگی و تنوع‌طلبی با ناصرالدین‌شاه همراه بود، در این سمت بناهایی فاخر و ماندگار در تاریخ معماری ایران، چون شمس‌العماره و تکیه دولت، برپا کرد. اگرچه عوامل متعددی چون مهارت و هنرمندی معماران و بنایان و علایق و سلیقه شخص ناصرالدین‌شاه در شکل‌گیری محصول نهایی مؤثر بود؛ نقش معیرالممالک، دست‌کم در مقام مدیر اجرای ساختمان و واسطه اصلی میان کارفرما و سازنده، و همچنین مسئول حسن کار، نقشی بنیادی بود. شکوه و کمال شمس‌العماره و تکیه دولت، دست‌کم در میان بناهای هم‌دوره‌شان، گواهی دیگر بر تواناییهای معیرالممالک و نقش مهم و تعیین‌کننده‌اش در شکل‌گیری بناهای منسوب به اوست.

علاوه بر این، معیرالممالک با تکیه بر ثروت فراوانش، مستقل از دربار و فارغ از فرمانها و خواسته‌های ناصرالدین‌شاه و مطابق با میل و سلیقه خود نیز به معماری پرداخت و بخش بزرگی از ثروتش را صرف معماری کرد. باغها و عمارات شخصی و بسیاری بناهای عام‌المنفعه تجلی‌گاه عزم راسخ و عشق و علاقه این خزانه‌دار به معماری است. □

کتابنامه

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. *مرآة البلدان*، به کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۷.
- _____ *المآثر والآثار*، به کوشش ایرج افشار، تهران، اساطیر، ۱۳۶۳.
- امین‌الدوله، میرزاعلی خان. *سفرنامه امین‌الدوله*، به کوشش اسلام کاظمیه، تهران، نوحی، ۱۳۸۱.
- _____ *خاطرات سیاسی امین‌الدوله*، به کوشش حافظ فرمانفرمائیان، زیر نظر ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، ۲۵۳۵.
- بامداد، مهدی. *شرح رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴*، تهران، فردوس، ۱۳۸۴.
- بل، گرتورد. *تصویرهایی از ایران*، ترجمه بزرگمهر ریاحی، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۳.
- حاجی قاسمی، کامبیز (و.ا). *گنجنامه دفتردهم: بناهای بازار (بخش دوم)*، تهران، دانشگاه شهیدبهشتی و روزنه، ۱۳۸۳.
- ذکاء، یحیی. *تاریخچه ارگ سلطنتی و راهنمای کاخ گلستان*، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۹.
- خان شقاقی، میرزا مهدی. *خاطرات ممتحن‌الدوله*، به کوشش حسینقلی خان شقاقی، تهران، فرهنگ، ۱۳۶۲.
- عاقلی، باقر. *شرح رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران*، تهران، گفتار و نشر علم، ۱۳۸۰.
- معمدی، محسن. *جغرافیای تاریخی تهران*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱.
- معیرالممالک، دوست‌علی خان. *وقایع الزمان (خاطرات شکاریه)*، به کوشش خدیجه نظام مافی، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱.
- _____ *یادداشت‌هایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین‌شاه*، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۲.
- نظری، فرهاد و ذات‌الله نیک‌زاد. «معماری در دربار سلطان صاحب‌قران». در: *گلستان هنر*، ش ۹ (پاییز ۱۳۸۶)، ص ۲۶-۵۱.
۱. در خاندان معیرالممالک، دست‌کم سه نفر به نام «دوست‌علی خان» بوده‌اند: یکی دوست‌علی خان نظام‌الدوله معیرالممالک (مورد نظر ما)، دوم پدر بزرگ او، سوم نوه او. این همنامی موجب اشتباه‌های بسیار شده است و تحقیق درباره دوست‌علی خان نیازمند دقتی بیش از دقت معمول است. مهدی بامداد، در *شرح رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴*، ص ۳۱۴، پدر بزرگ نظام‌الدوله را «دوست‌علی خان اول» نامیده است. بر این مبنا، نظام‌الدوله «دوست‌علی خان دوم» و نوه‌اش «دوست‌علی خان سوم» است. علاوه بر این، لقب درباری «نظام‌الدوله» نیز فقط از آن «دوست‌علی خان دوم» است و نشانه‌ای معتبر برای شناسایی شخصیت مورد نظر ما از همنامان اوست. البته این لقب نیز عنوانی یگانه و منحصر به شخص دوست‌علی خان دوم نیست و از القاب موروثی است که از پدر به پسر رسیده است.
- بنابراین در این نوشتار برای پرهیز از اشتباه و همچنین اطالة کلام، تنها «دوست‌علی خان دوم» با عنوانهای «دوست‌علی خان معیرالممالک (نظام‌الدوله)»، «دوست‌علی خان»، «معیرالممالک»، و «نظام‌الدوله» نامیده شده و پدر بزرگ و نوه‌اش را، به ترتیب و به اختصار، «دوست‌علی خان اول» و «دوست‌علی خان سوم» خوانده‌ایم.
۲. در *گنجنامه* دهخدا، واژه «بانی» لغت فاعلی از بناء و معادل واژه‌هایی چون بناکننده، برآورنده، سازنده بنا و عمارت، پایه‌گذار، پی‌افکننده، و واقف آمده است (دهخدا، ذیل «بانی»). در واژه‌نامه *گنجنامه* نیز، «بانی» معادل «بنیان‌گذار و کارفرمای بنا و تأمین‌کننده هزینه احداث آن» آمده است (حاجی قاسمی، *گنجنامه*، ص ۱۱) در اینجا نیز مقصود از واژه «بانی» مرجع تأمین هزینه‌های بناست.
۳. معیرالممالک، *وقایع الزمان*، مقدمه.
۴. دوست‌علی خان نظام‌الدوله زاده دختر فتح‌علی شاه نیست.
۵. بامداد، *شرح رجال ایران*، ص ۳۱۳.
۶. اعتمادالسلطنه، *مرآة البلدان* (ج ۲ و ۳)، ص ۱۶۶۳.
۷. محرقه: «قسمی تب دائم و متصل، تیفوس» دهخدا، ذیل «محرقة».
۸. اعتمادالسلطنه، همان، ص ۱۷۰۶.
۹. همان، ص ۹۵۰.
۱۰. همان، ص ۱۵۱۶.
۱۱. کارگاه سفالینه‌سازی و کوزه‌گری
۱۲. ذکاء، *تاریخچه ساختمان‌های ارگ سلطنتی و راهنمای کاخ گلستان*، ص ۲۷۱.
۱۳. اعتمادالسلطنه، همان، ص ۱۵۶۷.
۱۴. معیرالممالک، *یادداشت‌هایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین‌شاه*، ص ۴۳.
۱۵. هرچند شمس‌العماره را به امر ناصرالدین‌شاه ساختند؛ در پایان کار، نظام‌الدوله معیرالممالک، به واسطه اقتضات سیاسی، تمامی مخارج آن را بر عهده رفت. معیرالممالک، همان، ص ۴۳.
۱۶. در شماره ۹ *گلستان هنر*، در مقاله «معماری در دربار سلطان صاحب‌قران»، جوهری از تأثیرات ناصرالدین‌شاه بر معماری زمان خود روشن شده است. نظری و نیک‌زاد، «معماری در دربار سلطان صاحب‌قران»، ص ۲۶-۴۶.
۱۷. معیرالممالک، همان، ص ۴۳.
۱۸. اعتمادالسلطنه، همان، ج ۴، ص ۲۰۰۵.
۱۹. بازارچه معیر از بازارچه‌های قدیم تهران است که در انتهای بازارچه قوام‌الدوله (منسوب به میرزا عباس خان قوام‌الدوله، وزیر امور خارجه) قرار دارد. این دو بازارچه مجاور به بازارچه دوقلو معروف است. معتمدی، *جغرافیای تاریخی تهران*، ص ۱۸۴.
۲۰. مسجد معیر، جلوخان معیر، آب‌انبار معیر، و کوچه‌باغ معیر را در کنار بازارچه معیر و در ضلع شمال باغ او ساخته بودند.
۲۱. اعتمادالسلطنه در *المآثر والآثار* درباره موقوفات این مدرسه چنین می‌نویسد: «دکاکین و حمامات چند و اراضی و مستغلات سودمند به تخصیص قریه قره‌تپه، که از جمله ضیاع کثیرالانتفاع است، بر این اساسات و مبانی، وقف مؤبد و حبس جاویدانی کرده است.» *المآثر و الآثار*، ص ۸۴.
۲۲. امین‌الدوله، *سفرنامه*، ص ۱۳.
۲۳. یکی از باغهای معیرالممالک در شمال خیابان معیر (حدود خیابان مولوی کنونی) قرار داشته است، که در نقشه کرشیش و عبدالغفار نیز دیده می‌شود.
۲۴. معتمدی، همان، ص ۳۴۱.
۲۵. همان، ص ۳۴۲.

۲۶. میرزا مهدی خان شقاقی، معمار مخصوص دربار و اولین معمار ایرانی تحصیل کرده به شیوه آکادمیک و از عوامل وزارت امور خارجه در زمان حکومت ناصرالدین شاه بود. — بامداد، همان، ص ۶۹۸.

۲۷. بیشتر رشته‌های خدماتی درباری

۲۸. خان شقاقی، *خاطرات ممتحن‌الدوله*، ۱۹۳.

۲۹. هیچ‌یک از همعصران معیرالممالک او را هنرمند و خوش‌ذوق توصیف نکرده‌اند و غالباً تنها به مال‌اندوزی او پرداخته‌اند. امین‌الدوله در *خاطرات سیاسی* اش دوست‌علی خان معیرالممالک را از عوامل فساد مالی دربار و شخصی حریص در تصاحب ثروت و مناصب دولتی خوانده است. — امین‌الدوله، *خاطرات سیاسی*، ص ۱۸. همچنین میرزا مهدی خان شقاقی در کلیت توصیف مفصلش از دوست‌علی خان معیرالممالک، او را شخصیتی مال‌دوست معرفی می‌کند که حریصانه مال‌اندوزی می‌کند و هدفی جز ثروتمند شدن ندارد. یکی از توصیفات او درباره معیرالممالک گویای چگونگی این تلقی است: «لباسی که در بر داشت واقعا چربی یقه تا به کمر سرداری رسیده بود؛ اما گل الماس کمرش پنجاه هزار تومان ارزش داشت!» — خان شقاقی، ص ۱۹۵. به این ترتیب، از نظر میرزا مهدی خان مهندس، گل کمر الماس نشان معیرالممالک نه نشانی از هنردوستی و زیباپسندی او، که تنها ناشی از تمایلات مادی گرایانه و پول‌پرستانه‌اش بود.

۳۰. نظری و نیک‌زاد، «معماری در دربار سلطان صاحب‌قران»، ص ۴۵.

۳۱. خان شقاقی، همان، ص ۱۹۴.

۳۲. همان.

۳۳. اعتمادالسلطنه، *المآثر والآثار*، ص ۸۷.

۳۴. خان شقاقی، همان، ص ۱۹۴.

۳۵. همان.

۳۶. همان، ص ۱۹۴.

۳۷. معیرالممالک، *وقایع الزمان*، ص ۱۳ و ۱۴.

۳۸. عاقلی، *شرح رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران*، ص ۱۵۰۷.

۳۹. از سوی دیگر، مهم‌ترین آثار دوست‌علی خان، شمس‌العماره و تکیه دولت، نیز شاهدانی گویا بر توجه و تمایل معیرالممالک به هنر اروپایی است.

۴۰. نوه دوست‌علی خان معیرالممالک، همنام او و نویسنده آثار معروفی چون *وقایع شکاریه و یادداشت‌هایی از زندگی خصوصی ناصرالدین شاه*، است؛ نک: معیرالممالک، *وقایع الزمان*، مقدمه.

۴۱. بل، *تصویرهایی از ایران*، ص ۶۲.

۴۲. البته دوست‌علی خان معیر، نوه نظام‌الدوله، ثروت سرشار خاندان معیر را بر باد داد و در اواخر عمر زندگی مرفه سابق را نداشت و حتی با فروش نقاشیهایش روزگار می‌گذراند. — عاقلی، همان، ص ۱۵۰۷.

۴۳. امین‌الدوله، *سفرنامه امین‌الدوله*، ص ۱۳.